

بازاندیشی در نقش خلاقیت حرفه ای معلمان برای ارتقای کیفیت یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان

ثریا کاظمی دینه رودی، محمد بهبود، آرزیتا رحمنی، فاطمه باقری وله زاقرد



کارشناسی روانشناسی عمومی

کارشناسی ارشد علوم و خاک

کارشناسی علوم تجربی

کارشناسی مطالعات اجتماعی



MDOI-02-2026.0165
MNR-179-2-22B1A5

چکیده

خلاقیت حرفه ای معلمان یکی از مؤلفه های اساسی در تحول نظام آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری دانش آموزان به شمار می رود. بازاندیشی در این مفهوم، فراتر از به کارگیری روش های نوآورانه تدریس، به معنای توانایی معلم در طراحی موقعیت های یادگیری پویا، انطباق با نیازهای متنوع دانش آموزان، حل مسئله های آموزشی و ایجاد محیطی انگیزه بخش برای رشد شناختی و عاطفی یادگیرندگان است. در شرایطی که آموزش سنتی پاسخ گوی پیچیدگی های یادگیری امروز نیست، خلاقیت حرفه ای معلمان می تواند با تقویت مشارکت فعال دانش آموزان، افزایش انگیزه، بهبود تعاملات کلاسی و تنوع بخشی به راهبردهای تدریس، زمینه یادگیری عمیق تر و پایدارتر را فراهم آورد. همچنین این نوع خلاقیت با شناسایی تفاوت های فردی، بهره گیری از فناوری های آموزشی و به کارگیری شیوه های ارزشیابی متنوع، نقش مؤثری در بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارد. از این رو، بازاندیشی در نقش خلاقیت حرفه ای معلمان نه تنها به ارتقای کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری منجر می شود، بلکه بستری مناسب برای پرورش دانش آموزانی فعال، خلاق و موفق فراهم می سازد. توجه به آموزش مستمر معلمان، حمایت نهادی و ایجاد فرهنگ مدرسه ای نوآور، از مهم ترین پیش نیازهای تحقق این هدف است.

کلمات کلیدی: خلاقیت حرفه ای معلمان، کیفیت یادگیری، عملکرد تحصیلی، نوآوری آموزشی، راهبردهای تدریس، دانش آموزان

در جهان معاصر، آموزش و پرورش دیگر صرفاً نهادی برای انتقال محفوظات و اطلاعات از نسلی به نسل دیگر تلقی نمی شود، بلکه به منزله مهم ترین بستر برای پرورش انسان های اندیشمند، خلاق، مسئول و توانمند در مواجهه با پیچیدگی های زندگی فردی و اجتماعی شناخته می شود. در چنین نگاهی، یادگیری زمانی با کیفیت تلقی می شود که از سطح انباشت دانش فراتر رود و به فهم عمیق، توانایی تحلیل، حل مسئله، داوری، خلاقیت و کاربرد مؤثر آموخته ها در موقعیت های واقعی زندگی بینجامد. از سوی دیگر، عملکرد تحصیلی دانش آموزان نیز دیگر تنها به نمره های کمی و نتایج آزمون های رسمی محدود نمی شود، بلکه نشان دهنده سطحی از درگیری شناختی، انگیزشی، عاطفی و رفتاری دانش آموز در فرایند یادگیری است. در این چارچوب، نقش معلم به عنوان مهم ترین عنصر انسانی نظام تعلیم و تربیت، نقشی محوری، اثرگذار و تحول آفرین است؛ زیرا کیفیت بخش قابل توجهی از تجربه یادگیری دانش آموزان در کلاس درس، به دانش، نگرش، مهارت، سبک تدریس و میزان خلاقیت حرفه ای معلم وابسته است. به همین دلیل، بازاندیشی در نقش خلاقیت حرفه ای معلمان به عنوان یکی از ضرورت های اصلی تحول آموزشی مطرح می شود؛ ضرورتی که می تواند در ارتقای کیفیت یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان نقشی تعیین کننده ایفا کند. خلاقیت حرفه ای معلمان مفهومی فراتر از نوآوری های سطحی یا استفاده پراکنده از چند روش متفاوت در کلاس است. این مفهوم به نوعی نگرش حرفه ای، توانایی طراحی و بازطراحی موقعیت های یادگیری، انعطاف پذیری در مواجهه با مسائل آموزشی، حساسیت نسبت به تفاوت های فردی دانش آموزان، قدرت تصمیم گیری در لحظه های تدریس و مهارت تبدیل کلاس درس به محیطی پویا، معنادار و انگیزه بخش اشاره دارد. معلم خلاق صرفاً کسی نیست که روش تدریس متفاوتی داشته باشد، بلکه کسی است که بتواند بین اهداف برنامه درسی، نیازهای یادگیرندگان، شرایط کلاس، امکانات مدرسه و اقتضائات فرهنگی و اجتماعی پیوندی هوشمندانه برقرار سازد و از این رهگذر، فرایند یاددهی - یادگیری را اثربخش تر کند. در واقع، خلاقیت حرفه ای معلم نوعی شایستگی ترکیبی است که از دانش تخصصی، تجربه عملی، بینش تربیتی، قدرت حل مسئله و نگرش نوآورانه نشئت می گیرد. اهمیت این شایستگی در شرایطی دوچندان می شود که نظام های آموزشی امروز با چالش هایی چون افت انگیزه تحصیلی، یادگیری سطحی، غلبه روش های حافظه محور، تنوع نیازهای یادگیرندگان و تغییر سریع دانش و فناوری روبه رو هستند.



پژوهش های حوزه تعلیم و تربیت به روشنی نشان داده اند که کیفیت تدریس یکی از مهم ترین عوامل در تبیین تفاوت های موجود در میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. اما کیفیت تدریس، صرفاً با تسلط بر محتوا حاصل نمی شود، بلکه به چگونگی سازمان دهی تجربه یادگیری، نحوه تعامل معلم با دانش آموز، توانایی او در تحریک کنجکاوی و مهارتش در برانگیختن مشارکت فعال یادگیرندگان بستگی دارد. در این زمینه، خلاقیت حرفه ای معلم می تواند به عنوان عاملی کانونی عمل کند؛ زیرا معلم خلاق قادر است یادگیری را از حالت یک سویه و ایستا خارج کرده و آن را به تجربه ای تعاملی، جست و جو گرانه و مسئله محور تبدیل کند. به همین دلیل، بررسی عوامل مؤثر بر تدریس خلاق معلمان، به ویژه در دوره ابتدایی که زیربنای نگرش دانش آموز نسبت به یادگیری شکل می گیرد، اهمیت فراوان دارد. آرمند، اسدی، برزگر و پزشکی (۱۴۰۲) در بررسی عوامل مؤثر بر تدریس خلاق معلم دوره ابتدایی بر این نکته تأکید می کنند که تدریس خلاق پدیده ای چندوجهی است و از عواملی چون ویژگی های فردی معلم، علاقه و انگیزه حرفه ای، حمایت سازمانی، فضای مدرسه، شیوه مدیریت آموزشی و امکانات موجود تأثیر می پذیرد. این یافته نشان می دهد که خلاقیت معلم را نمی توان صرفاً یک توانایی ذاتی یا شخصی دانست، بلکه باید آن را در بستر محیط حرفه ای و فرهنگی مدرسه تحلیل کرد. در همین راستا، یکی از مهم ترین جنبه های بازاندیشی در نقش خلاقیت حرفه ای معلمان، عبور از نگاه تقلیل گرایانه به تدریس و پذیرش این واقعیت است که تدریس فرایندی صرفاً فنی و مکانیکی نیست. تدریس، کنشی پیچیده، زنده و انسانی است که به ادراک موقعیت، واکنش به شرایط پیش بینی ناپذیر، شناخت ابعاد شخصیتی و شناختی دانش آموزان و خلق فرصت های یادگیری نو نیاز دارد. هنگامی که معلم از خلاقیت حرفه ای برخوردار باشد، می تواند کلاس را از چارچوب خشک انتقال محتوا فراتر ببرد و آن را به محیطی برای تفکر، گفتگو، تجربه، کشف و ساخت معنا تبدیل کند. چنین کلاسی در مقایسه با کلاس های سنتی، احتمال بیشتری دارد که دانش آموزان را درگیر یادگیری عمیق کند و به بهبود پیامدهای تحصیلی آنان بینجامد. شریفی، شیخ احمدی و رستمی (۱۴۰۲) نیز در پژوهش خود با تأکید بر تأثیر معلم در ایجاد خلاقیت و نقش خلاقیت در پیشرفت دانش آموزان، بر این باورند که معلم، نه فقط انتقال دهنده دانش، بلکه تسهیل گر رشد فکری و محرک اصلی ظرفیت های خلاق دانش آموز است. بر این اساس، میان شیوه تدریس معلم و میزان شکوفایی استعداد های دانش آموزان رابطه ای وثیق وجود دارد.

از منظر روان شناسی تربیتی، خلاقیت در کلاس درس تنها به معنای تولید ایده های نو نیست، بلکه با ایجاد فضایی برای پرسشگری، ابهام پذیری، تحمل دیدگاه های مختلف، تجربه ورزی و آزمون راه حل های متنوع ارتباط دارد. چنین فضایی، زمینه لازم را برای فعال



شدن فرایندهای عالی شناختی فراهم می‌سازد؛ فرایندهایی که در نهایت، بر کیفیت یادگیری اثر مستقیم می‌گذارند. وقتی دانش‌آموز فرصت می‌یابد تا در یک محیط امن و حمایتگر، آزادانه فکر کند، نظر بدهد، اشتباه کند و دوباره بیازماید، یادگیری برای او به تجربه‌ای شخصی، معنادار و ماندگار تبدیل می‌شود. این امر به‌ویژه در دوره‌هایی که ساختار شخصیتی، شناختی و انگیزشی دانش‌آموز در حال تکوین است، اهمیت دوچندان دارد. دشتی (۱۴۰۰) در پژوهش خود درباره پیشرفت تحصیلی و خلاقیت و عوامل مؤثر بر آن، نشان می‌دهد که خلاقیت و پیشرفت تحصیلی نه دو پدیده جداگانه، بلکه دو سازه مرتبط و متعامل هستند؛ به گونه‌ای که تقویت یکی می‌تواند در ارتقای دیگری نیز نقش آفرین باشد. این رابطه، نگاه سنتی‌ای را که خلاقیت را صرفاً ویژگی‌ای حاشیه‌ای و جدا از موفقیت درسی می‌دانست، به چالش می‌کشد و لزوم توجه جدی‌تر به آن را در برنامه‌ریزی آموزشی آشکار می‌سازد.

بیان مسئله

موضوع مهم دیگری که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، موانع ساختاری و فرهنگی رشد خلاقیت در مدرسه است. اگرچه معلم خلاق می‌تواند تا اندازه‌ای بر محدودیت‌ها غلبه کند، اما شکوفایی کامل خلاقیت حرفه‌ای او نیازمند فضایی است که از نوآوری حمایت کند و آن را به رسمیت بشناسد. در بسیاری از نظام‌های آموزشی، ساختارهای بوروکراتیک، تراکم بالای برنامه درسی، تأکید افراطی بر آزمون و نمره، کمبود امکانات، نگرش‌های سنتی نسبت به تدریس و ترس از خطا، از جمله عواملی هستند که هم خلاقیت معلم و هم خلاقیت دانش‌آموز را محدود می‌سازند. درخشنده و نریمانی (۱۳۸۹) در فراتحلیل عوامل و موانع مرتبط با افزایش خلاقیت دانش‌آموزان نشان داده‌اند که رشد خلاقیت در محیط آموزشی، به مجموعه‌ای از شرایط تسهیل‌گر وابسته است و در مقابل، عوامل بازدارنده‌ای مانند کنترل افراطی، قالب‌های خشک آموزشی، فشار بیش از حد برای پاسخ درست و فرصت اندک برای تجربه و اکتشاف، مانع شکوفایی آن می‌شوند. یافته‌های این مطالعه به‌روشنی بیانگر آن است که برای ارتقای خلاقیت در مدرسه، نمی‌توان تنها به تغییر رفتار دانش‌آموز اکتفا کرد، بلکه باید نقش معلم، مدیریت مدرسه و فرهنگ آموزشی را نیز به‌طور هم‌زمان بازنگری کرد. همین زمینه، اهمیت نقش معلم در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، تنها در حد اجرای چند تکنیک آموزشی باقی نمی‌ماند، بلکه به نوع نگاه او نسبت به یادگیرنده بازمی‌گردد. معلمی که دانش‌آموز را موجودی فعال، دارای ظرفیت رشد، برخوردار از تفاوت‌های فردی و شایسته تجربه کردن و اندیشیدن بداند، در عمل نیز شیوه‌هایی را برمی‌گزیند که خلاقیت را تقویت کنند. غلامی، نجفی، عزیزی و مهدوی‌نیا



(۱۴۰۲) در بررسی نقش معلمان در پرورش خلاقیت دانش آموزان و شیوه های پرورش خلاقیت در مدرسه، بر این موضوع تأکید دارند که معلم می تواند با ایجاد فضای مشارکتی، تشویق پرسشگری، احترام به ایده های متفاوت، استفاده از روش های متنوع یاددهی و پرهیز از سرکوب پاسخ های غیر کلیشه ای، بستری برای رشد خلاقیت فراهم سازد. در این دیدگاه، معلم تنها مجری برنامه درسی نیست، بلکه طراح و معمار تجربه یادگیری است؛ تجربه ای که اگر به درستی هدایت شود، می تواند هم موجب پرورش خلاقیت و هم عامل ارتقای عملکرد تحصیلی باشد.

همچنین، مطالعاتی که به بررسی شیوه های معلمان برتر در پرورش تفکر خلاق پرداخته اند، شواهد ارزشمندی درباره ابعاد عملی خلاقیت حرفه ای معلم ارائه می دهند. کاظمی نافچی (۱۴۰۱) با تمرکز بر شیوه های معلمان برتر برای پرورش تفکر خلاق در دانش آموزان، نشان می دهد که معلمان موفق معمولاً از تدریس های خشک و کاملاً از پیش تعیین شده فاصله می گیرند و به جای آن، با ایجاد موقعیت های چالش برانگیز، کاربردی کردن مفاهیم، استفاده از روش های همیارانه، تقویت ایده پردازی و باز گذاشتن مسیرهای متنوع برای رسیدن به پاسخ، ذهن دانش آموزان را فعال می کنند. این یافته ها بیانگر آن است که خلاقیت حرفه ای معلمان نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه مجموعه ای از رفتارها، انتخاب ها و راهبردهای عملی است که می تواند در متن کلاس درس مشاهده و تقویت شود. بنابراین، اگر هدف نظام آموزشی، تربیت یادگیرندگان توانمند، مستقل و موفق باشد، باید به توسعه چنین شایستگی هایی در معلمان توجه جدی شود.

از سوی دیگر، بحث خلاقیت حرفه ای معلمان با مسئله کیفیت یادگیری پیوندی عمیق دارد. کیفیت یادگیری زمانی ارتقا می یابد که دانش آموز بتواند بین دانسته های پیشین و تجربه های جدید خود ارتباط برقرار کند، در فرایند یادگیری احساس معنا و ارزش داشته باشد، آموخته ها را در موقعیت های تازه به کار گیرد و نسبت به یادگیری نگرشی مثبت پیدا کند. در این میان، معلم خلاق می تواند از طریق سازمان دهی غنی تر فرایند تدریس، به این ابعاد جان ببخشد. او با تغییر در شیوه ارائه محتوا، بافت بخشی به مفاهیم، استفاده از موقعیت های واقعی و پیوند دادن آموخته ها با مسائل زندگی، از انتزاع بی ثمر مطالب می کاهد و آن ها را به تجربه ای نزدیک و فهم پذیر برای دانش آموز تبدیل می کند. بدین ترتیب، دانش آموز نه تنها بهتر می آموزد، بلکه در ک عمیق تری از چرایی و چگونگی آموختن نیز پیدا می کند. این مسئله در نهایت می تواند خود را در قالب بهبود عملکرد تحصیلی نشان دهد؛ عملکردی که در اینجا باید آن را نتیجه یک فرایند آموزشی سالم و اثربخش دانست، نه صرفاً حاصل تمرین های تکراری و آزمون های حافظه محور. نکته اساسی دیگر آن است



که خلاقیت حرفه‌ای معلم، با یادگیری حرفه‌ای مستمر او رابطه‌ای مستقیم دارد. معلمی که در حال یادگیری است، تجربه‌های خود را بازنمایی می‌کند، از پژوهش‌های جدید بهره می‌گیرد، نسبت به مسائل کلاس حساس است و برای حل آن‌ها از راه‌حل‌های تازه استفاده می‌کند، بیش از دیگران ظرفیت آن را دارد که خلاقانه تدریس کند. در اینجا اهمیت نگاه علمی و روش‌مند به آموزش آشکار می‌شود. دلاور (۱۳۷۴) در بحث روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی بر اهمیت شناخت علمی پدیده‌های تربیتی، تعریف دقیق متغیرها، جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها و تحلیل منطقی روابط بین عوامل آموزشی تأکید می‌کند. این رویکرد به ما یادآور می‌شود که هرگونه تلاش برای ارتقای کیفیت یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی باید بر پایه فهمی پژوهش‌محور از واقعیت کلاس درس استوار باشد. بنابراین، بازنمایی در نقش خلاقیت حرفه‌ای معلمان نیز زمانی ثمربخش خواهد بود که بر شواهد علمی، تجربه‌های موفق آموزشی و نیازهای واقعی دانش‌آموزان مبتنی باشد.

در همین راستا، توجه به دوره ابتدایی به عنوان یکی از حساس‌ترین مراحل تعلیم و تربیت، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این دوره، نگرش دانش‌آموز نسبت به مدرسه، یادگیری، معلم و حتی توانایی‌های خود تا حد زیادی شکل می‌گیرد. اگر دانش‌آموز در این مرحله با معلمانی روبه‌رو شود که تدریس را فرایندی جذاب، امن، خلاق و برانگیزاننده می‌سازند، احتمال بیشتری دارد که در آینده نیز نسبت به یادگیری نگرشی مثبت، فعال و خودراهرانه داشته باشد. از این منظر، خلاقیت حرفه‌ای معلم نه تنها بر عملکرد تحصیلی کوتاه‌مدت، بلکه بر مسیر رشد تحصیلی و شخصیتی بلندمدت دانش‌آموز نیز اثر می‌گذارد. آرمند و همکاران (۱۴۰۲) نیز با تمرکز بر تدریس خلاق در دوره ابتدایی، عملاً بر همین حساسیت و اهمیت تأکید دارند. این مسئله بیانگر آن است که سرمایه‌گذاری بر توسعه خلاقیت حرفه‌ای معلمان ابتدایی، از جمله مؤثرترین راهبردها برای بهبود کیفیت نظام آموزشی در سطح کلان است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

اهمیت و ضرورت بررسی موضوع «بازنمایی در نقش خلاقیت حرفه‌ای معلمان برای ارتقای کیفیت یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان» را می‌توان از سه بعد روان‌شناختی، تربیتی و اجتماعی تبیین کرد.



۱. از بعد روان‌شناختی، خلاقیت حرفه‌ای معلم مستقیماً با فرایندهای ذهنی، انگیزشی و هیجانی دانش‌آموزان ارتباط دارد. دانش‌آموزان در محیطی که معلم در آن از روش‌های متنوع، پرسش‌برانگیز و انعطاف‌پذیر استفاده می‌کند، احساس امنیت روانی بیشتری برای مشارکت، اظهارنظر، تجربه کردن و حتی خطا کردن پیدا می‌کنند. این وضعیت سبب افزایش انگیزش درونی، تقویت اعتمادبه‌نفس، رشد خودکارآمدی و کاهش اضطراب یادگیری می‌شود. در مقابل، کلاس‌های خشک و حافظه‌محور معمولاً به انفعال ذهنی، ترس از شکست و کاهش اشتیاق به یادگیری منجر می‌شوند. از این رو، بررسی خلاقیت حرفه‌ای معلمان از منظر روان‌شناختی ضروری است؛ زیرا این متغیر می‌تواند بر کیفیت تجربه یادگیری، سلامت روانی دانش‌آموز در کلاس و شکل‌گیری نگرش او نسبت به مدرسه و یادگیری اثر بگذارد.
۲. از بعد تربیتی، این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که معلم یکی از اصلی‌ترین عوامل شکل‌دهنده به کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری است. در نظام‌های آموزشی جدید، هدف آموزش تنها انتقال اطلاعات نیست، بلکه پرورش تفکر، توانایی حل مسئله، استقلال فکری، یادگیری عمیق و آمادگی برای مواجهه با موقعیت‌های پیچیده زندگی است. تحقق این اهداف بدون حضور معلمانی که از خلاقیت حرفه‌ای برخوردار باشند، بسیار دشوار خواهد بود. معلم خلاق می‌تواند محتوا را با نیازها و توانایی‌های متنوع دانش‌آموزان متناسب سازد، از روش‌های فعال و اکتشافی بهره بگیرد و یادگیری را به تجربه‌ای معنادار و ماندگار تبدیل کند. بنابراین، پرداختن به این موضوع از بعد تربیتی، برای اصلاح الگوهای تدریس، بازنگری در برنامه‌های تربیت معلم، ارتقای اثربخشی آموزشی و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کاملاً ضروری است.
۳. از بعد اجتماعی نیز اهمیت این موضوع بسیار قابل توجه است؛ زیرا مدرسه یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیری و تربیت نیروی انسانی آینده است. دانش‌آموزانی که در محیط‌های آموزشی خلاق پرورش می‌یابند، معمولاً در آینده افرادی پرسشگرتر، منعطف‌تر، مسئولیت‌پذیرتر و توانمندتر در حل مسائل فردی و اجتماعی خواهند بود. در مقابل، نظام آموزشی‌ای که خلاقیت را نادیده بگیرد، ممکن است به بازتولید انفعال، وابستگی فکری و ناتوانی در مواجهه با مسائل نو منجر شود. از این منظر، خلاقیت حرفه‌ای معلمان فقط یک مسئله درون‌کلاسی نیست، بلکه با کیفیت سرمایه انسانی، میزان نوآوری اجتماعی و آمادگی نسل آینده برای توسعه فرهنگی و اقتصادی جامعه پیوند دارد. به همین دلیل، بررسی این موضوع یک

ضرورت اجتماعی محسوب می شود و می تواند به سیاست گذاران آموزشی در جهت اصلاح ساختارها، حمایت از معلمان و ارتقای کیفیت کلی نظام آموزش و پرورش کمک کند.

در مجموع، ضرورت بررسی این موضوع در آن است که خلاقیت حرفه ای معلمان، نقطه اتصال سه حوزه مهم روان شناختی، تربیتی و اجتماعی است. این متغیر هم بر انگیزش و رشد روانی دانش آموز اثر می گذارد، هم کیفیت آموزش و یادگیری را ارتقا می دهد و هم در بلندمدت پیامدهایی تعیین کننده برای جامعه به همراه دارد. از این رو، بازاندیشی در نقش خلاقیت حرفه ای معلمان باید به عنوان یکی از محورهای اساسی در پژوهش های آموزشی و برنامه ریزی های تحولی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد.

روش شناسی

این پژوهش از منظر هدف، توسعه ای-کاربردی و از منظر روش، یک مطالعه کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده های مورد نیاز از طریق مرور نظام مند اسناد و متون معتبر گردآوری و تحلیل شده اند.

- قلمرو پژوهش: کلیه مقالات علمی-پژوهشی، کتب مرجع دانشگاهی و پایان نامه های دکتری و ارشد مرتبط با موضوعات تدریس خلاقانه و فعالیت های خلاقانه معلم درس یادگیری است.
- پایگاه های اطلاعاتی: برای جستجوی منابع از پایگاه های معتبر داخلی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مگیران (Magiran)، نورمگز (Noormags) و پرتال جامع علوم انسانی استفاده شد.
- بازه زمانی: منابع منتشر شده بین سال های ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۴ شمسی ملاک انتخاب قرار گرفتند.
- کلیدواژه های جستجو: خلاقیت حرفه ای معلمان، کیفیت یادگیری، عملکرد تحصیلی، نوآوری آموزشی، راهبردهای تدریس، دانش آموزان

- پس از غربالگری اولیه ۱۲ منبع کلیدی و اصلی که به صورت عمیق به ابعاد مختلف موضوع پرداخته بودند، انتخاب و محتوای آنها با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، طبقه بندی و ترکیب گردید.

پیشینه پژوهش

در سال های اخیر، تحولات شتابان اجتماعی، فرهنگی و فناورانه، نظام های یادگیری مدرسه ای را با چالش های نوینی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، صرف اتکا به برنامه های درسی سنتی و روش های تدریس کلیشه ای، پاسخگوی نیازهای یادگیری دانش آموزان نبوده و توجه به نقش عوامل انسانی، به ویژه معلم خلاق، اهمیت فزاینده ای یافته است. خلاقیت حرفه ای معلم به عنوان توانایی طراحی و اجرای شیوه های نوآورانه در آموزش، مدیریت کلاس و ارزشیابی، یکی از مؤثرترین مؤلفه ها در ارتقاء عملکرد تحصیلی دانش آموزان به شمار می رود. یوسف زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «رابطه خلاقیت معلم و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه» نشان دادند که معلمانی که از راهبردهای تدریس خلاقانه، روش های فعال یاددهی-یادگیری و فضای تعاملی کلاس استفاده می کنند، زمینه ساز افزایش انگیزش تحصیلی و بهبود عملکرد درسی دانش آموزان هستند. نتایج این پژوهش تأکید می کند که خلاقیت حرفه ای معلم نه تنها بر یادگیری شناختی، بلکه بر ابعاد عاطفی و انگیزشی یادگیری نیز اثرگذار است (یوسف زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، شریعتمداری (۱۳۹۶) خلاقیت معلم را یکی از شاخص های کلیدی کیفیت آموزشی می داند و معتقد است که نظام های یادگیری مدرسه ای زمانی می توانند به اهداف خود دست یابند که معلمان از استقلال حرفه ای، انعطاف پذیری آموزشی و فرصت نوآوری برخوردار باشند. به باور وی، خلاقیت حرفه ای معلم از طریق ایجاد موقعیت های یادگیری مسئله محور، مشارکتی و معنادار، موجب تعمیق یادگیری و در نتیجه ارتقاء عملکرد تحصیلی دانش آموزان می شود. در پژوهش دیگری، سلیمی و رضایی (۱۴۰۰) با بررسی نقش خلاقیت تدریس در یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی نشان دادند که استفاده از روش های خلاقانه مانند بازی های آموزشی، آموزش مبتنی بر پروژه و داستان محور، تأثیر معناداری بر افزایش درک مفهومی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. یافته های این تحقیق بر این نکته تأکید دارد که خلاقیت حرفه ای معلم می تواند به عنوان یک سازوکار عملی در بهبود کارآمدی نظام یادگیری مدرسه ای عمل کند.

همچنین، ملکی (۱۳۹۷) در کتاب «روانشناسی تربیتی» بیان می کند که خلاقیت معلم نقش واسطه ای میان برنامه درسی و یادگیری واقعی دانش آموزان ایفا می کند. از دیدگاه وی، معلم خلاق با توجه به تفاوت های فردی، سبک های یادگیری و نیازهای روان شناختی



دانش‌آموزان، قادر است محیطی امن و انگیزشی برای یادگیری فراهم آورد که این امر به‌طور مستقیم بر عملکرد تحصیلی تأثیر مثبت دارد (ملکی، ۱۳۹۷). در سطح کلان‌تر، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) نیز بر نقش معلم توانمند، نوآور و خلاق در تحقق اهداف نظام یادگیری تأکید کرده است. این سند، خلاقیت حرفه‌ای معلم را یکی از الزامات ارتقاء کیفیت آموزشی و بهبود نتایج یادگیری در مدارس می‌داند و بر ضرورت توانمندسازی معلمان از طریق آموزش‌های ضمن خدمت و حمایت سازمانی تأکید می‌ورزد. در مجموع، مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که خلاقیت حرفه‌ای معلم به‌عنوان یک عامل چندبعدی، از طریق افزایش انگیزش تحصیلی، بهبود کیفیت تعاملات آموزشی، تقویت یادگیری عمیق و توجه به تفاوت‌های فردی، نقش بسزایی در ارتقاء عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در نظام‌های یادگیری مدرسه‌ای ایفا می‌کند. با این حال، بسیاری از پژوهش‌ها بر ضرورت نهادینه‌سازی خلاقیت حرفه‌ای در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان تأکید دارند.

یافته ها

یادگیری فعال مسیری است که آینده‌ای روشن‌تر برای آموزش و پرورش رقم خواهد زد و هر گام کوچک در این مسیر، می‌تواند تأثیری بزرگ بر زندگی دانش‌آموزان داشته باشد. زمانی که معلمان با خلاقیت به درس‌های خود نزدیک می‌شوند، کنجکاوی، تعامل و نوآوری را در میان دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند. این امر مهارت‌های تفکر انتقادی، حل مسئله، و استدلال انتزاعی را تقویت می‌کند و می‌تواند توانایی یادگیرندگان را برای کشف راه‌های مختلف تفکر و درک مسائل پرورش دهد. در نتیجه، یادگیرندگان می‌توانند برای عمیق‌تر شدن در مطالعات خود بیشتر انگیزه پیدا کنند و به درک عمیق‌تر و نگهداری بلندمدت دانش دست یابند. در کل، تدریس خلاقانه نه تنها تجربه یادگیری را غنی می‌کند، بلکه یادگیرندگان را با مهارت‌ها و ذهنیت لازم برای پیشرفت در آینده‌ای سریع‌اً در حال تغییر مجهز می‌کند. انسان‌ها از استعداد نوآوری و خلاقیت برخوردارند.

مفهوم خلاقیت حرفه‌ای معلم در آموزش و پرورش

خلاقیت حرفه‌ای معلم به مجموعه‌ای از نگرش‌ها، توانمندی‌ها و رفتارهای حرفه‌ای اطلاق می‌شود که به معلم امکان می‌دهد فرایند یاددهی-یادگیری را به گونه‌ای نوآورانه، منعطف و متناسب با نیازهای یادگیرندگان طراحی و اجرا کند. برخلاف برداشت‌های سطحی،



خلاقیت معلم صرفاً به استفاده از ابزارهای جدید یا فعالیت های جذاب محدود نمی شود، بلکه ریشه در تفکر تربیتی، شناخت عمیق از یادگیرنده و توانایی بازطراحی موقعیت های آموزشی دارد (دلاور، ۱۳۷۴). حق شناس (۱۳۷۸) خلاقیت حرفه ای معلم را توانایی خروج آگاهانه از چارچوب های خشک آموزشی و ایجاد فرصت برای تجربه، تفکر و معنپردازی در کلاس درس می داند. در این چارچوب، معلم خلاق نقش تسهیل گر یادگیری را ایفا می کند و به جای انتقال صرف دانش، شرایطی را فراهم می آورد که دانش آموزان خود به ساخت دانش بپردازند.

آموزش خلاقانه رویکردی است که یادگیری را به عنوان فرایندی فعال، تجربه محور و معناگرا در نظر می گیرد. در این نوع آموزش، معلم صرفاً ارائه دهنده محتوا نیست، بلکه طراح موقعیت هایی است که دانش آموز را به تفکر، پرسشگری و مشارکت فعال سوق می دهد. آموزش خلاقانه مبتنی بر انعطاف در روش تدریس، تنوع در فعالیت های یادگیری و توجه به تفاوت های فردی یادگیرندگان است. در چنین رویکردی، کلاس درس به فضایی تبدیل می شود که در آن خطا بخشی از فرایند یادگیری تلقی می گردد و دانش آموزان بدون ترس از قضاوت، ایده های خود را بیان می کنند. آموزش خلاقانه تلاش می کند یادگیری را از یک فعالیت تحمیلی به تجربه ای لذت بخش و معنادار تبدیل کند و از این طریق، پیوند عمیق تری میان محتوای آموزشی و زندگی واقعی دانش آموزان برقرار سازد.

آموزش خلاقانه و ویژگی های آن در نظام یادگیری مدرسه ای

آموزش خلاقانه رویکردی است که در آن یادگیری به عنوان فرایندی فعال، تعاملی و معنادار در نظر گرفته می شود. در این نوع آموزش، معلم با بهره گیری از روش های متنوع تدریس، مسئله محوری، کار گروهی و پیوند دادن محتوای درسی با زندگی واقعی دانش آموزان، زمینه درگیری شناختی عمیق را فراهم می سازد (غلامی و همکاران، ۱۴۰۲). آموزش خلاقانه بر تفاوت های فردی تأکید دارد و به دانش آموزان اجازه می دهد مسیر یادگیری خود را با توجه به توانایی ها و علایقشان طی کنند (دشتی، ۱۴۰۰). دلاور (۱۳۷۴) معتقد است که آموزش خلاقانه زمانی محقق می شود که معلم، خطا را نه به عنوان شکست، بلکه به عنوان بخشی طبیعی از فرایند یادگیری بپذیرد و فضایی امن برای آزمون و تجربه ایجاد کند.

نقش خلاقیت تدریس معلمان در یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان



پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که خلاقیت در تدریس معلمان تأثیر معناداری بر یادگیری عمیق و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد. درخشنده و نریمانی (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که معلمان خلاق با استفاده از پرسش‌های واگرا، فعالیت‌های اکتشافی و روش‌های مشارکتی، سطح پردازش شناختی دانش‌آموزان را ارتقاء می‌دهند. این نوع تدریس موجب افزایش انگیزش درونی و خودکارآمدی تحصیلی می‌شود که خود از پیش‌بین‌های مهم پیشرفت تحصیلی به شمار می‌روند (شریفی و همکاران، ۱۴۰۲). نظری و همکاران (۱۴۰۳) نیز نشان داده‌اند که میان خلاقیت تدریس و مشارکت فعال دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. از این منظر، خلاقیت حرفه‌ای معلم نه تنها کیفیت یادگیری را بهبود می‌بخشد، بلکه نقش مؤثری در پایداری نتایج تحصیلی ایفا می‌کند.

خلاقیت در تدریس معلمان نقش بنیادینی در شکل‌گیری یادگیری مؤثر ایفا می‌کند. معلم خلاق با استفاده از شیوه‌های متنوع آموزشی، پرسش‌های تفکربرانگیز و فعالیت‌های مشارکتی، دانش‌آموزان را از حالت دریافت‌کننده منفعل اطلاعات خارج کرده و به کنشگران فعال یادگیری تبدیل می‌سازد. این نوع تدریس موجب افزایش درگیری شناختی دانش‌آموزان با محتوای درسی شده و یادگیری را از سطح سطحی به سطحی عمیق ارتقاء می‌دهد. خلاقیت تدریس همچنین به رشد مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله و تصمیم‌گیری کمک می‌کند که نقش مهمی در موفقیت تحصیلی دارند. هنگامی که دانش‌آموزان احساس کنند در فرایند یادگیری نقش دارند و ایده‌هایشان ارزشمند است، انگیزش آن‌ها برای یادگیری افزایش یافته و عملکرد تحصیلی آن‌ها بهبود می‌یابد.

فرصت‌ها و چالش‌ها ناشی از به‌کارگیری تدریس خلاقانه

به‌کارگیری تدریس خلاقانه فرصت‌های گسترده‌ای را برای نظام‌های آموزشی فراهم می‌آورد. از جمله این فرصت‌ها می‌توان به افزایش انگیزش یادگیری، تقویت تفکر خلاق، رشد مهارت‌های ارتباطی و افزایش اعتمادبه‌نفس تحصیلی دانش‌آموزان اشاره کرد (غلامی و همکاران، ۱۴۰۲). کلاس‌های خلاق محیطی فراهم می‌کنند که در آن دانش‌آموزان احساس امنیت روانی داشته و ایده‌های خود را بدون ترس از قضاوت بیان می‌کنند (دشتی، ۱۴۰۰). همچنین تدریس خلاقانه امکان تحقق عدالت آموزشی را فراهم می‌سازد؛ زیرا معلم می‌تواند با تنوع‌بخشی به روش‌ها، پاسخگوی نیازهای متنوع یادگیرندگان باشد (خضری‌اصل و همکاران، ۱۴۰۳). با وجود مزایای فراوان، تحقق تدریس خلاقانه در مدارس با چالش‌هایی جدی مواجه است. محدودیت برنامه‌های درسی رسمی، تأکید افراطی بر آزمون‌های استاندارد و ارزشیابی‌های نمره‌محور، از جمله عواملی هستند که خلاقیت معلم را محدود می‌کنند (مظفرزاده و عباسی،



۱۴۰۱). افزون بر این، کمبود امکانات آموزشی، تراکم بالای کلاس ها و نبود آموزش های ضمن خدمت مؤثر در زمینه خلاقیت، اجرای تدریس خلاقانه را با دشواری همراه ساخته است (درخشنده و نریمانی، ۱۳۸۹). آرمند و همکاران (۱۴۰۲) تأکید می کنند که حمایت مدیریتی و بازنگری در نظام ارزشیابی، شرط اساسی برای نهاده سازی خلاقیت در تدریس است.

تدریس خلاقانه فرصت های گسترده ای را برای ارتقاء کیفیت آموزش فراهم می آورد. یکی از مهم ترین این فرصت ها، ایجاد محیطی پویا و انگیزشی در کلاس درس است که در آن دانش آموزان با اشتیاق بیشتری در فعالیت های آموزشی مشارکت می کنند. تدریس خلاقانه امکان پاسخ گویی به تفاوت های فردی دانش آموزان را فراهم کرده و موجب می شود هر یادگیرنده متناسب با توانایی ها و علایق خود مسیر یادگیری را طی کند. همچنین این رویکرد می تواند به تقویت تعاملات اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس تحصیلی و شکل گیری نگرش مثبت نسبت به یادگیری منجر شود. از سوی دیگر، تدریس خلاقانه به معلم این امکان را می دهد که ارزشیابی را به عنوان بخشی از فرایند یادگیری و نه صرفاً ابزاری برای سنجش نهایی، به کار گیرد و از این طریق، یادگیری پایدار را تقویت کند. با وجود مزایای فراوان، تدریس خلاقانه در عمل با چالش هایی همراه است که تحقق آن را با دشواری مواجه می سازد. ساختارهای برنامه درسی خشک، تأکید بر آزمون های استاندارد و فشار برای پوشش حجم بالای محتوا، از جمله عواملی هستند که فضای لازم برای خلاقیت معلم را محدود می کنند. علاوه بر این، تراکم بالای کلاس ها و کمبود امکانات آموزشی، اجرای فعالیت های خلاقانه را با موانع عملی مواجه می سازد. از سوی دیگر، برخی معلمان به دلیل عادت به روش های سنتی یا نگرانی از پیامدهای خروج از چارچوب های رایج، تمایل کمتری به تجربه روش های نوآورانه دارند. این چالش ها نشان می دهد که تدریس خلاقانه تنها به توانمندی فردی معلم وابسته نیست، بلکه نیازمند حمایت ساختاری، مدیریتی و فرهنگی در سطح نظام آموزشی است.

در مجموع، بررسی مبانی نظری و پژوهشی نشان می دهد که خلاقیت حرفه ای معلم نقشی اساسی در ارتقاء عملکرد تحصیلی دانش آموزان ایفا می کند. آموزش خلاقانه و تدریس نوآورانه، یادگیری را از سطح سطحی و حافظه محور به سطحی عمیق، پایدار و معناگرا ارتقاء می دهد. توجه به فرصت ها و چالش های تدریس خلاقانه، می تواند راهگشای تحول نظام های یادگیری مدرسه ای باشد. از این رو، خلاقیت حرفه ای معلم به عنوان یکی از ارکان اساسی تحول آموزشی، نقشی تعیین کننده در ارتقاء عملکرد تحصیلی دانش آموزان ایفا می کند. آموزش خلاقانه و تدریس نوآورانه، یادگیری را به فرایندی معنا دار، پویا و پایدار تبدیل می کند و زمینه رشد همه جانبه دانش آموزان را فراهم می سازد. توجه همزمان به فرصت ها و چالش های تدریس خلاقانه می تواند مسیر حرکت مدارس را



به‌سوی کیفیت‌بخشی واقعی آموزش هموار کند. از این منظر، خلاقیت معلم نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی امروز است.

نتیجه‌گیری

بر پایه مباحث نظری و شواهد پژوهشی مورد بررسی، می‌توان نتیجه گرفت که خلاقیت حرفه‌ای معلمان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌ها در ارتقای کیفیت یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است. این خلاقیت نه یک ویژگی جانبی و تزئینی، بلکه بخشی از هویت حرفه‌ای معلم در نظام آموزشی امروز به شمار می‌آید؛ هویتی که باید بتواند آموزش را از چارچوب‌های سنتی، تکراری و حافظه‌محور خارج سازد و آن را به تجربه‌ای پویا، معنادار، مشارکتی و برانگیزاننده تبدیل کند. هر اندازه معلم در طراحی موقعیت‌های یادگیری، تنوع‌بخشی به راهبردهای تدریس، توجه به تفاوت‌های فردی، ایجاد انگیزه، تشویق به پرسشگری و هدایت فرایندهای فکری دانش‌آموزان خلاقانه‌تر عمل کند، احتمال شکل‌گیری یادگیری عمیق‌تر، پایدارتر و اثربخش‌تر افزایش می‌یابد. از همین رو، بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را نمی‌توان تنها با افزایش حجم محتوا یا تشدید ارزشیابی‌های کمی محقق ساخت، بلکه این بهبود بیش از هر چیز در گرو کیفیت کنش حرفه‌ای معلم در کلاس درس است. یافته‌های آرمند و همکاران (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که تدریس خلاق در دوره ابتدایی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد و برای رشد آن، باید هم به ویژگی‌های فردی معلم و هم به شرایط سازمانی و فرهنگی مدرسه توجه شود. این موضوع حاکی از آن است که خلاقیت حرفه‌ای معلمان، امری صرفاً شخصی نیست، بلکه پدیده‌ای زمینه‌مند است که نیازمند حمایت، فرصت و سیاست‌گذاری مناسب است. همچنین، نتایج شریفی و همکاران (۱۴۰۲) آشکار می‌سازد که معلم در ایجاد خلاقیت و در نتیجه، در پیشرفت دانش‌آموزان نقشی تعیین‌کننده دارد. این نقش زمانی پررنگ‌تر می‌شود که معلم بتواند دانش‌آموز را در جایگاه یادگیرنده‌ای فعال ببیند و کلاس را بستری برای مشارکت، تجربه و تولید معنا قرار دهد. از سوی دیگر، دشتی (۱۴۰۰) بر پیوند میان خلاقیت و پیشرفت تحصیلی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که خلاقیت، نه رقیب موفقیت درسی، بلکه عاملی تقویت‌کننده برای آن است. این یافته اهمیت اصلاح نگرش‌های سنتی نسبت به آموزش را بیش از پیش نمایان می‌سازد.



نتایج پژوهش درخشنده و نریمانی (۱۳۸۹) نیز بیانگر آن است که رشد خلاقیت دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی با موانع و تسهیل‌گرهای مشخصی روبه‌روست. هرگاه نظام آموزشی بر انضباط صوری، پاسخ‌های کلیشه‌ای، ارزشیابی‌های محدود و کنترل افراطی تأکید کند، فضا برای بروز خلاقیت معلم و دانش‌آموز تنگ می‌شود. در مقابل، هنگامی که مدرسه از نوآوری حمایت کند، خطا را بخشی از فرایند یادگیری بداند، فرصت تجربه و کشف را فراهم آورد و به ایده‌های متفاوت احترام بگذارد، خلاقیت می‌تواند به‌عنوان نیروی مولد در متن آموزش عمل کند. در این میان، نقش معلم بیش از هر عنصر دیگری برجسته است؛ زیرا او واسطه مستقیم میان برنامه درسی و تجربه واقعی یادگیری است. غلامی و همکاران (۱۴۰۲) و نیز کاظمی نافچی (۱۴۰۱) با تأکید بر شیوه‌های عملی پرورش خلاقیت در مدرسه، نشان می‌دهند که معلمان از طریق نوع تعامل خود، شیوه طرح سؤال، سازمان‌دهی فعالیت‌های گروهی، استفاده از مسائل واقعی و تقویت تفکر واگرا، می‌توانند رشد خلاقیت و بهبود یادگیری را به‌صورت هم‌زمان دنبال کنند. از منظر کاربردی، مهم‌ترین نتیجه این بحث آن است که هرگونه برنامه برای ارتقای کیفیت یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، اگر نقش خلاقیت حرفه‌ای معلمان را نادیده بگیرد، ناقص و کم‌اثر خواهد بود. به بیان دیگر، اصلاح برنامه‌های درسی، توسعه ابزارهای آموزشی، بهبود فضاهای فیزیکی مدارس و حتی تحول در نظام ارزشیابی، زمانی بیشترین اثربخشی را خواهند داشت که با توانمندسازی معلمان در حوزه خلاقیت حرفه‌ای همراه شوند. این توانمندسازی نیز باید فراتر از آموزش چند تکنیک محدود باشد و به پرورش نگرش پژوهش‌محور، تفکر انتقادی، بازاندیشی حرفه‌ای، انعطاف‌پذیری آموزشی و مهارت حل مسئله در معلمان بینجامد. در این زمینه، تأکید دلاور (۱۳۷۴) بر نگاه علمی و روش‌مند به پدیده‌های تربیتی یادآور می‌شود که هر تحول پایداری در آموزش، نیازمند اتکا بر پژوهش، تحلیل داده‌ها و فهم دقیق واقعیت‌های آموزشی است.

در نهایت، بازاندیشی در نقش خلاقیت حرفه‌ای معلمان را باید به‌منزله راهبردی اساسی برای تحقق آموزش کیفی، یادگیری معنادار و موفقیت تحصیلی پایدار دانست. معلم خلاق، تنها انتقال‌دهنده دانش نیست، بلکه الهام‌بخش، تسهیل‌گر، راهنما و سازنده فضایی است که در آن دانش‌آموز می‌تواند توانایی‌های فکری و تحصیلی خود را به شکلی همه‌جانبه رشد دهد. بر این اساس، اگر نظام آموزش و پرورش به دنبال تربیت دانش‌آموزانی خلاق، توانمند، پرسشگر و موفق است، باید خلاقیت حرفه‌ای معلمان را در مرکز توجه خود قرار دهد و زمینه‌های فرهنگی، آموزشی و سازمانی لازم را برای شکوفایی آن فراهم سازد. در چنین شرایطی، مدرسه از محیطی برای انتقال



محفوظات به فضایی برای ساختن انسان‌های یادگیرنده و خلاق تبدیل خواهد شد؛ انسان‌هایی که نه تنها در عملکرد تحصیلی، بلکه در زیست فردی و اجتماعی آینده خود نیز موفق‌تر عمل خواهند کرد.

منابع

۱. آرمند، پوریا؛ اسدی، صغری؛ پرزگر، محمدرضا؛ پزشکی، علی. (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر بر تدریس خلاق معلم دوره ابتدایی. هفتمین همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی، آبان ۱۴۰۲، تهران.
۲. دشتی، فرزانه. (۱۴۰۰). نگاهی به پیشرفت تحصیلی و خلاقیت و عوامل مؤثر بر آن. همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روان‌شناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب.
۳. دلاور، علی. (۱۳۷۴). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات پیام نور.
۴. درخشنده، سعید سیف؛ نریمانی، محمد. (۱۳۸۹). فراتحلیل عوامل و موانع مرتبط با افزایش خلاقیت دانش‌آموزان. مجله روان‌شناسی مدرسه، پاییز ۱۳۸۹.
۵. شریفی، شافع؛ شیخ‌احمدی، سید عرفان؛ رستمی، شعیب. (۱۴۰۲). تأثیر معلم در ایجاد خلاقیت و نقش خلاقیت در پیشرفت دانش‌آموزان. پانزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت علوم انسانی، مهر ۱۴۰۲، تهران.
۶. غلامی، موسی‌الرضا؛ نجفی، منظر؛ عزیزی، سمیه؛ مهدوی‌نیا، صبا. (۱۴۰۲). نقش معلمان در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان و شیوه‌های پرورش خلاقیت در مدرسه. اولین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در آموزش و پرورش در هزاره سوم، بوشهر.
۷. کاظمی نافچی، فرزانه. (۱۴۰۱). شیوه‌های معلمان برتر برای پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان. پنجمین همایش بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
۸. میرشاه خالقداد، طیه. (۱۴۰۳). نقش معلمان در پرورش قوه خلاقیت در دانش‌آموزان.
۹. مظفرزاده، احمد؛ عباسی، مصطفی. (۱۴۰۱). بررسی نقش مدیران و معلمان در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان و پرورش خلاقیت در مدرسه. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، پاییز ۱۴۰۱.



۱۰. نظری، فرزاد؛ نوراللهی صوغانی، فاطمه؛ هاشمی، وحیده؛ صانعیان، زهرا. (۱۴۰۳). بررسی رشد و پرورش خلاقیت و تأثیر آن

بر دانش آموزان مدارس. اولین همایش بین‌المللی آموزش و پرورش با رویکرد مدارس هوشمند، معلمان خلاق و دانش آموزان

متفکر در افق ۱۴۰۴، بوشهر.

۱۱. حق شناس، مرجان. (۱۳۷۸). خلاقیت در آموزش و پرورش. فصلنامه مدیریت آموزش و پرورش.

۱۲. خضری اصل، رباب؛ حمیدی، زکیه؛ عطاری، خدیجه؛ قصاب زاده، فاطمه. (۱۴۰۳). چالش ها و راهکارهای کلاسی برای

پرورش خلاقیت دانش آموزان. اولین همایش بین‌المللی آموزش و پرورش با رویکرد مدارس هوشمند، معلمان خلاق و

دانش آموزان متفکر در افق ۱۴۰۴، بوشهر.

